

خاشقجی در افغانستان چه می‌کرد؟

خاشقجی منتقد مشهوری که در کنسولگری سعودی در استانبول به طرز فجیعی به قتل رسید، نخستین خبرنگاری بوده که سعودی‌هایی را که در زمان جنگ شوروی سابق، در افغانستان می‌جنگیدند، پوشش می‌داده است.



حکومت آل سعود در بیانیه‌ی بامداد شنبه 28 مهر پس از حدود سه هفته انکار، به کشته شدن جمال خاشقجی در داخل کنسولگری سعودی در استانبول اعتراف کرد، اما روایت خاصی را درباره این جنایت مطرح کرد که حتی متحدان غربی‌اش آن را قبول نکردند.

دادستان کل عربستان در بیانیه‌ی بامداد شنبه مدعی شد خاشقجی بعد از درگیری با چند نفر داخل ساختمان کنسولگری به قتل رسیده و 18 شهروند سعودی در ارتباط با این حادثه بازداشت شده‌اند.

در روایت سعودی، هیچ توضیحی برای بسیاری از جزئیات مفصلی که رسانه‌های ترکیه و آمریکا درباره قتل خاشقجی افشا کرده بودند، ارائه نشده؛ مثلاً هیچ اشاره‌ای به سرنوشت جسد خاشقجی که به‌گواه منابع متعدد تکه تکه شده، نشده است.

این روزنامه‌نگار 59 ساله سعودی سه‌شنبه 2 اکتبر (10 مهر) وارد ساختمان کنسولگری شد و از آن زمان به بعد ناپدید شد. مقام‌های ترکیه‌ای فیلمی منتشر کردند که لحظه ورود خاشقجی به ساختمان کنسولگری را نشان می‌داد، اما هیچ فیلمی از لحظه خروج او ثبت نشده بود.

عکس‌هایی از جمال خاشقجی منتشر شده که گفته شده مربوط به زمانی بوده است که به افغانستان سفر کرده و البته این عکس‌ها مربوط به سال‌ها پیش و زمان اشغال افغانستان از سوی شوروی سابق بوده است.

خاشقجی نخستین خبرنگاری بوده که سعودی‌هایی را که در زمان جنگ شوروی سابق، در افغانستان می‌جنگیدند، پوشش می‌داده است.

گزارش یک رسانه روسی درباره حضور خاشقجی در افغانستان

خبرگزاری روسی اسپوتنیک در گزارشی به سفرهای خاشقجی به افغانستان در دوران اشغال این کشور از سوی شوروی سابق اشاره کرده که طی آن آمده است: یکی از کارنامه‌های روزنامه‌نگار منتقد سعودی جمال خاشقجی در دوره روزنامه‌نگاری‌اش، سفرهای متعدد به افغانستان و پوشش جنگ مجاهدین با ارتش سرخ بود.

او افزون بر این که در کنار رهبران جهادی به سر می‌برد، با اسامه بن لادن نیز بارها دیدار داشته است. خاشقجی بعدها در مقالات زیادی از ناگفته‌های جنگ افغانستان نوشت که در یکی از آنها که نهم

مارس 2006 در روزنامه رسمی الوطن چاپ ریاض منتشر شده بود، به واقعیت‌های ناپیدای جنگ افغانستان پرداخته و از همراهی خود با گلبدین حکمتیار خبر داده است.



[View More on Instagram](#)

302 likes

صورة قديمة لي وجدتها متداولة في تويتر مع الاستاذ رباني رحمه الله. ربما عام 1989
 بمنزله ببشاور، باكستان
 view all 11 comments

در صفحه شخصی خاشقجی آمده است این عکس قدیمی مربوط به دیدار با استاد ربانی (برهان الدین ربانی رئیس جمهور فقید افغانستان) در سال 1989 در منزلش در پیشاور پاکستان

در بخشی از این گزارش آمده است: «در اواسط ماه آوریل (سال مربوطه در رسانه روسی واضح نیست)، حدود یک هفته و یا بیشتر از آن را در دهکده سرخاب مشرف بر شهر کابل پایتخت افغانستان در معیت گلبدین حکمتیار سپری کردم. وی همان روزها در آنجا پایگاه گرفته بود تا مگر بتواند امتیاز تاریخی بزرگ را به عنوان فاتح کابل و مجدد اسلام در قرن حاضر نصیب شود! اما ناگهان فاتح دیگری از او پیشی گرفت و گوی سبقت را در میدان برد و باخت این افتخار بزرگ، از دست او ربود. این فاتح احمدشاه مسعود بود که در عرصه جهاد و مبارزه نیز از حکمتیار چیزی کم نداشت. ولی در آن زمان ممکن نبود که حکمتیار به تقسیم دنیا میان دو نفر تن دهد.



٥١- الحضرة بن الأفغان والعرب يتأخرون عن الخريفة تقدم قوات الحزب نحو كابل يوم
 السبت ١٠ من شهر ربيع الثاني سنة ١٤١٢ هـ الموافق ١٠ من شهر ربيع الثاني سنة ١٩٩٠ م
 في منزل السيد جمال خاشقجي والشهيد أبو روضة .

خاشقجی در کنار حکمتیار در سال 1412 هجری قمری

روزهای بسیار فشرده و در عین حال خیلی حساس و سرنوشت‌ساز بود. صحنه‌ها به‌صورت کاملاً دراماتیک شکل می‌گرفت. من در جریان این روزها لحظه‌های پیروزی و شکست، شادی و غم، تواضع و تکبر، فروتنی و غرور، راستی و دروغ را شاهد بودم. واقعیت‌ها را دیدم که چگونه هر لحظه رنگ عوض می‌کنند و حق را ملاحظه کردم که چگونه در دست آدم‌هایی دگرگون می‌شود و هم برای اولین بار شاهد بودم که موشک استتگر چگونه به روی خود مجاهدین نشانه می‌رود.

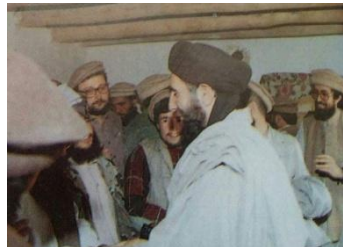
آری، روزهای سرخاب باهمه محدودیت و گمنامی آن، در واقع یک نقطه تحول مهم و قابل توجه در مسیر تاریخ معاصر افغانستان به حساب می‌رود.

استاد عادل بترجی و یکی دیگر از دوستان سعودی حاضر در صحنه نیز مرا در جریان این روزها

همراهی می‌کردند. آقای بترجی که در آن زمان ریاست یکی از مؤسسات خیریه سعودی فعال در افغانستان را به عهده داشت و بنده نیز در کنار کارهای مطبوعاتی از عضویت آن مؤسسه برخوردار بودم، در یک اقدام نیک به ثبت و تسجیل تمام حوادث این روزها در کتاب زیبایی تحت عنوان "چهارده روز حساس در تاریخ معاصر افغانستان" همت گماشته است.

مطالعه این کتاب را برای جوانان مسلمان، مخصوصاً جوانان سعودی منسوب به جریان "الصحوه" که همواره در موضع‌گیری‌های تند و تیز خویش به تجارب جهاد افغانستان اتکا دارند، توصیه می‌کنم و امیدوارم تا استاد بترجی نیز اقدام به تجدید چاپ این اثر گران‌قدر کرده و حقایق دیگری را بر آن بیفزاید و یا کتاب دیگری در زمینه بنویسد؛ چون او شاهد عینی صحنه بوده و چیزهایی را می‌داند که سایر حاضرین صحنه جهاد افغانستان از آن غافل اند.

گلبدین حکمتیار در آن زمان نیز قهرمان نسل ما جوانان پُرحماسه بود که همه شیفته و کشته شخصیت به اصطلاح قوی و متحرک او بودیم. ولی واقعیت او زمانی برای ما آشکار شد که موشک‌ها و خمپاره‌های او کابل و مردم بی‌پناه آن را به کام آتش فرو برد و خودش علیه برادران خود تیغ کشید و با لجاجت زایدالوصفی به جان مسلمانان افتاد و در عین حال، ما از نزدیک خود شاهد چنگدانه‌گی‌ها، خلاف‌ورزی‌ها و کارشکنی‌های مداوم او بودیم...



بنده در کنار حکمتیار به گوش خود صدای شهید احمدشاه مسعود را می‌شنیدم که از طریق مخابره با کمال تواضع از حکمتیار خواهش می‌کرد تا به پیشاور برگشته و در تفاهم با سایر رهبران احزاب جهادی، یک حکومت مشترک و وسیع‌البنیاد را تشکیل داده و یکجا باهم و بدون کدام جنگ و درگیری وارد شهر کابل شوند.

مسعود شهید می‌گفت که کابل سقوط کرده، کمونیست‌ها آماده تسلیم کامل قدرت به مجاهدین می‌باشند و من خودم هیچ امتیازی برای خود نمی‌خواهم و اکنون مرحله جنگ گذشته و مرحله سیاست به میان آمده، پس نباید کاری کرد که منجر به بروز تشنج و درگیری بی‌مورد میان مجاهدین گردد. اما حکمتیار لجوجانه به او جواب رد می‌داد و مکرراً تأکید می‌ورزید که می‌خواهد با غرور سلاح و بیرق‌های سبز وارد کابل شود.

در روز بعدی جریان گفت‌وگوی شیخ محمدقطب (برادر سیدقطب) با حکمتیار را دنبال می‌کردم که به او توصیه می‌کرد تا از اقدام یک‌جانبه در قبال فتح کابل دست بردارد و در تفاهم با سایر مجاهدین، روی تشکیل یک حکومت عبوری برای تسلیم صلح‌آمیز قدرت در کابل موافقه کند. استاد محمدقطب که در صحبتش با حکمتیار اندکی تند و جدی بود، به او می‌گفت که نباید تنها خود را برحق و دیگران را یک‌سره باطل تصور کرد. ولی حکمتیار، به او اطمینان می‌داد که گویا مجاهدین هرگز باهم نخواهند جنگید. این در حالی بود که افراد مسلح او برای حمله در برابر کابل آماده‌گی می‌گرفتند و خودش هم می‌دانست که در آنجا حتماً با مجاهدین تحت فرمان احمدشاه مسعود درگیر خواهند شد.

حالا من اعتراف می‌کنم که خودم نیز همان روز با حکمتیار در جرم دروغ و فریب‌کاری شریک شدم و از او خواستم تا به استاد محمدقطب پیشنهاد کند تا مجدداً با سایر خیرخواهان در پیشاور گردهم آمده و طرح تازه‌یی را تصویب و بعداً با حکمتیار در تماس شوند.



حکمتیار بلافاصله این نظر را به شیخ محمدقطب منعکس کرد تا بتواند آن‌ها را برای مدتی دیگر مصروف نگه داشته و خودش با کسب وقت طبق برنامه قبلی، در روز مابعد نیروهایش را وارد کابل ساخته و بدین ترتیب، همه را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دهد.

پیش از پایان تماس فوق الذکر، اسامه بن لادن نیز که در آن زمان یکجا با سایر میانجی‌گران عرب در پیشاور به سر می‌برد، روی خط آمده و مراتب نگرانی خود را از بابت حتمیت بروز جنگ داخلی میان مجاهدین در صورت ورود جداگانه و بدون توافق قبلی به شهر کابل به حکمتیار ابراز داشت.

حکمتیار به او اطمینان داد که گویا احتمال بروز جنگ میان مجاهدین وجود ندارد و همان‌دم صحبت خود را با بن لادن قطع کرد. در اثنایی که حکمتیار از دستگاه مخابره دور می‌شد، هنوز صدای بن لادن به گوش می‌رسید که به تکرار می‌گفت: "انجنیر صاحب! می‌شنوید!" اما حکمتیار به او اعتنایی نکرد و راه خود را پیش گرفت. این‌جا یکی از همکاران حکمتیار گوشی را برداشت و به بن لادن گفت که انجنیر صاحب رفت.

درست در روز مابعد بود که دروازه‌های جهنم به روی شهر کابل گشوده شد. شاید این آخرین صحبت میان حکمتیار و بن لادن بوده باشد.

WEDNESDAY, MAY 4, 1988

Arab youths fight shoulder to shoulder with Mujahedeen

A report by Jamal Khushoggi

MAASADAT AL-ANSAR, Afghanistan — Muslims are one nation. Despite geographical barriers, political squabbles and differences in color and language, they consider themselves brothers. The same brotherhood is clearly manifested in the attitude of those Arab youths who have joined the Afghan Mujahideen in their anti-Soviet struggle against the Communist forces.

According to a writing of the Prophet Muhammad, Muslims are like the limbs of a body. If a limb is injured, the whole body suffers pain and the limb of a sleepless, distressed man wakes and that limb grieves.

they have contracted in the Masada area beside one of the major routes for the supply of food and arms to Afghan Mujahideen in the Badkhan which lies in the middle of Afghanistan, not far from Kabul.

The Russian and Afghan government forces launched a fierce attack at the end of last May and its effects can still be seen throughout the region. A massive number of towns and all plants in the vicinity were burned in extensive bombing and missile attack for these weeks.

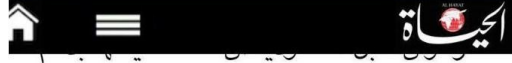
Ah, Mahmood, a youth from the Syrian city of Hama who fought in the war there, says:

in 1979, the Soviet Union invaded one of the poorest, Afghanistan in order to prop up a marionette and puppet Communist regime. The forces of freedom, the Islamists, led by the late King Zahir Shah, were a limited and temporary operation. In the face of the Soviet invasion, there has been a steady stream of refugees from the Soviet Union and the Soviet Union has been unable to contain the tide of refugees. The Afghan people have fought a heroic and valiant struggle against the Soviet forces and the Soviet Union has been unable to contain the tide of refugees. The Afghan people have fought a heroic and valiant struggle against the Soviet forces and the Soviet Union has been unable to contain the tide of refugees.

the Qur'an and Arabic, he said. Sheikh Sayid added that the Arab youths joined their Islamic faith and the Mujahideen. He said that the Mujahideen are not at all happy with the recent Afghan agreement signed by the governments of Pakistan and Afghanistan. They are deeply worried about the future of the Islamic struggle. Arab youths, however, military quarters, Osama Bin Laden (Abu Abdullah) confirmed that there is no let up in their jihad against the Communist forces.

According to information he received, violent confrontation between the Mujahideen and Afghan government forces will take place in the summer and will be decided on determining the future of Afghanistan.

تصویری از گزارش جمال خاشقجی در سال‌های حضور در افغانستان



غير مسبوق مع الخصم الروسي.
لا بد للسعوديين من أن يقولوا للأميركيين: هذه
نتيجة تخاذلكم. من الجيد لو اصطحبوا معهم
باضر اتفاق رئيس الاستخبارات السعودية
الأسبق الأمير تركي الفيصل، مع مستشار الأمن
القومي الأميركي زبيغنيو بريجنسكي عشية الغزو
السوفياتي لأفغانستان في كانون الأول (ديسمبر)
1979 واتفاقهم السريع وخلال أيام لإطلاق أخطر
مشروع لمواجهة هذا التهديد، إنه نموذج حري
بالأميركيين أن يستعيدوه وهم يرون هيبتهم تتهاوى،
من أوكرانيا حتى دمشق.

تسليم